

# سرمایه اجتماعی و نظام تصمیم‌گیری دولتی، اعتمادسازی در شرایط تحریم / ابراهیم صادقی فر، معاون فرهنگی اجتماعی

دولتهای یازدهم و دوازدهم نام «تدبیر و امید» را بر خود دارند. این دو واژه، دو نیروی اساسی برای اصلاح وضعیت توسعه‌ای کشور را نشان می‌دهند. تدبیر، ناظر بر شیوه تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجراست که بیشتر انتظار می‌رود در دولت و نظام حکمرانی تحقق یابد. امید، ناظر بر خلق سرمایه اجتماعی، انرژی عاطفی و نیروی معطوف به تغییر سازنده در جامعه است.

دو واژه «تدبیر» و «امید» الزاماتی برای نظام تصمیم‌گیری دولت ایجاد کرده است. این الزامات به شرح زیر است:

۱. واقع‌بینی: به ویژه که دولت با شعار واقع‌بینی زمام امور را در دست دارد.

۲. عقل‌گرایی و روش‌مندی: تصمیمات باید مبتنی و متکی بر پشتوانه‌ای از صورت‌بندی نظری-عقلانی مشخص درباره وضعیت کشور، تهدیدهای آتی، برآورد واقع‌بینانه از ظرفیت‌ها و طی شدن روش درست اتخاذ تصمیم باشند.

۳. شفافیت و تعامل سازنده با جامعه: کشور در شرایط حساسی قرار دارد. فائق آمدن بر این شرایط بدون گفت‌وگوی جدی و شفاف با بخش‌های مختلف جامعه امکان‌پذیر نیست. دولت نمی‌تواند به تنهایی و منزوی از گروه‌های ذینفع، تصمیم‌گیری کند و انتظار داشته باشد این گروه‌ها و کل جامعه خود را متعهد به اجرا کردن آن تصمیمات بدانند.

از سوی دیگر پیش‌نیاز تعامل سازنده، شفافیت است. گفت‌وگوی شفاف و آشکار با جامعه درباره وضع موجود، تهدیدها و فرصت‌های آینده، جلب مشارکت همه ذینفعان و رسیدن به اجماع بر سر راهکارها است.

همه اقشار و گروه‌هایی که دولت برای آن‌ها تصمیم‌گیری (سیاست‌گذاری، برنامه ریزی) و اجرایی نماید، باید فعالانه در فرایند اجتماعی و سیاسی تصمیم‌سازی‌ها نقش داشته باشند. اگر چنین فرایندی طی شود جامعه نیز خود را در قبال اجرای تصمیمات متعهد خواهد کرد.

نقصان در فرایند گفت‌وگوی اجتماعی فراگیر درباره :

\* وضعیتی که کشور در آن قرار دارد و تصمیمات معطوف به بهبود آنها،

\* اهداف مورد نظر و الزامات تحقق تصمیمات،

\* نقشی که گروه‌های ذینفع (از جمله احزاب سیاسی، تشکل‌ها، گروه‌های جامعه مدنی و ...) برای موفقیت

تصمیمات باید ایفا کنند،

\* فرصت‌ها و چالش‌های اتخاذ و اجرای تصمیمات،

\* نقائص ساختاری که سبب ناکامی‌های گذشته شده‌اند،

باعث می‌شود که هر گونه تصمیم خارج از فرایندی اجتماعی، منجر به خلق سرمایه اجتماعی و شکل‌گیری اعتماد متقابل نشود. تصمیماتی که در فرایند اتخاذ، مولد سرمایه اجتماعی نباشد و تبدیل به دغدغه بخش مهمی از مردم و گروه‌های ذینفع نشود، ظرفیتی برای خلق سرمایه اجتماعی و همچنین مطالبه اجتماعی برای تحقق آن نخواهد داشت.

واقعیت آن است که ایران دچار مساله بزرگی بنام اعتماد مردم، هنجارهای مرتبط با اعتماد و نهادهای اعتمادساز است. پایین بودن سرمایه اجتماعی، مهمترین و بزرگترین مانع تصمیم‌گیری در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی است. لذا دولت باید نسبت به توسعه مشارکتهای مردمی، نشاط اجتماعی و لاجرم بسط و ارتقاء سرمایه اجتماعی و اعتمادسازی بیش از پیش تلاش نماید. مشارکت مردم تنها پای صندوق‌های رای نیست بلکه جامعه ایران امروز، بیش از همیشه به مشارکت مردم در امور اجتماعی و در اموری که بر اثر سیاستهای اقتصادی موجب تخریب‌های مهم در عرصه اجتماعی شده است، نیاز دارد.

باید پذیرفت اگر دولت مستقر به مردم امید ندهد و سرمایه اجتماعی ارتقاء نیابد، نخواهد توانست تغییرات متناسب با شئون و خواست این ملت را در عرصه‌های مختلف بوجود آورد. در حقیقت پیش‌نیاز اساسی برای اتخاذ تصمیمات سخت توسط دولت‌ها، سرمایه اجتماعی شکوفا و بالنده است. یعنی اعتماد کردن مردم به متولیان و مشارکت داشتن آنها در امور مختلف.

در کنار انواع سبدهای اقتصادی و غیر اقتصادی ناظر بر گروه‌های هدف جامعه نظیر؛ سبد کالا، سبد غذایی، سبد سرمایه‌گذاری، سبد نفتی، سبد انرژی، سبد خرید، سبد سهام، سبد معیشت، سبد مهارتها، سبد مصرف‌رسانه‌ای و کلاهای فرهنگی، به نظر می‌رسد دولت باید ضمن تعریف ماموریتی اساسی برای خود، نسبت به تعریف، تجهیز، غنی‌سازی و بهیبه‌سازی سبدهای جدید تحت عنوان "سبد سرمایه اجتماعی" اقدام نماید. بدیهی است محتوای چنین سبدهای را اقلامی نظیر؛ ارتقاء مشارکت‌های مردمی، توسعه نظارت‌های مردمی، شفاف‌سازی، رانت‌زدایی، توسعه مسوولیت‌پذیری، بسط صداقت، فرصت‌سازی برابر و عدالت محوری در ابعاد متنوع آن، آزادی بیشتر و مدبرانه فضای اجتماعی، تقویت جایگاه هنر در جامعه، توسعه نشاط اجتماعی و بسط گفتگوهای اجتماعی تشکیل خواهد داد. در همین جا لازم است به اهتمام ارزشمند و اخیر دولت محترم در جهت بسط عقلانیت ارتباطی و شکل‌گیری گفتگوهای فراگیر اجتماعی در بین اقشار مختلف و برنامه‌ریزی و اجرای نشست‌های متعدد ریاست محترم جمهوری و سایر وزارت محترم با اقشار و گروه‌های متعدد اجتماعی اشاره نمود که به یقین اقدامی اعتمادافزا و امیدبخش و در مسیر کاستن از شکاف‌های فی‌مابین مردم و دولت ارزیابی می‌گردد.

دشمن بطور مستمر و هدفمند، و در شرایط جدید مصمم‌تر در حال تضعیف زیرساخت‌های فرهنگی و روانی کار و تولید و بی‌ثباتی اقتصاد کشور است و می‌داند که اقتصاد با معیشت مردم گره خورده است و بنابراین از همان سالهای آغازین انقلاب اسلامی، اعمال محدودیتها و تحریم‌ها و انواع فشارهای سخت را برای متوقف‌سازی پیشرفتهای اقتصادی و بی‌ثباتی آن با هدف ناراضی‌سازی مردم بویژه اقشار محروم‌تر و کم‌درآمد و جامعه شریف کار و تولید در برنامه خود قرار داد. دنبال استحاله ارزشهای اقتصادی از جمله رواج مصرف‌گرایی، تنوع

طلبی، زندگی تجملی، منفعت طلبی و سوداگرایی، محاسبه گرایی های کاسب مسلکانه در عرصه های روابط اجتماعی (غلبه ارزشهای ابزاری در مناسبات انسانی)، بی توجهی به رزق حلال و خدشه وارد سازی به شان و منزلت و کرامت انسانی عاملان اقتصادی است.

از اینرو باید بطور کاملاً ملموس، متعهد به نظام و مردم، با تدبیر و با برنامه و با اندیشه ای پویا، با تلفیق عقلانیت بلند مدت و کوتاه مدت، ارتقاء سطح آمادگی ها، توجه به زنجیره بهم پیوسته عوامل، توجه شایسته به مقتضیات و محیطهای مختلف موثر بر موضوع تصمیمات، توجه به محدودیتها و مقدرات گذار از وضع موجود به وضع مطلوب، هدف گذاری های واقع بینانه و اتخاذ راهبردهای خلاقانه، پرهیز از نگاههای سطحی، ساده انگاری و ساده بینی پدیده های متکثر، چند وجهی و چند سببی، اجتناب از تصمیمات و اقدامات شتابزده، تک بعدی، عجولانه و هیجانی، تغییر از نگاههای قیّم مآبانه و سیاستهای تجویزی دولتی و نیز اقدامات دستوری به سیاستهای مشارکتی و واگذاری حداکثری امور به مردم، پرهیز از بازیهای سیاسی و مایوس کننده با اعداد و ارقام، بدون حب و بغض و جهادگونه برای ارتقاء اخلاق اجتماعی و بهبود اعتماد و تقویت روحیه امید به آینده در جامعه بویژه در نزد محرومین و کسانی که دچار محرومیتهای مضاعف هستند، تلاش حداکثری نمود.

وزارت تعاون کار و رفاه اجتماعی به عنوان اجتماعی ترین نهاد حاکمیتی و مخاطبین گسترده، برخوردار از ظرفیت ها و قابلیت های مهم و تاثیرگذاری است که تلاش می شود این ظرفیت ها در چارچوب خط مشی های اجتماعی دولت محترم و با تدابیر مناسب و کار کارشناسی، کار با برنامه و استفاده از خرد جمعی، در مسیر درستی هدایت شوند.

برخی از مأموریت های وزارتخانه در زمینه های؛ سازمان بهزیستی، بیمه های درمانی، مدیریت صندوق های بازنشستگی، آسیب های اجتماعی، آموزش فنی و حرفه ای، فرهنگ کار، کارآفرینی و تعاون (بخش تعاون به عنوان اقتصاد مردمی با کارکرد تقویت عدالت اجتماعی)، ورزش کارگری، شورای عالی اشتغال، شورای عالی بیمه، شورای عالی سالمندان و شورای عالی رفاه، نشان می دهد که این وزارتخانه دارای کارکردهای غالب و گسترده اجتماعی است.

در این نوشتار به برخی بایدها برای تحقق رسالت های فرهنگی اجتماعی اشاره می شود:

\* تحقق عدالت اجتماعی از اهداف بنیادین انقلاب اسلامی ایران بود و از نگاه درون سازمانی، آن چه هر سه مقوله «تعاون، کار، و رفاه اجتماعی» را به هم پیوند می دهد، عدالت اجتماعی است. زمانی در این کشور توسعه اقتصادی محور قرار گرفت، سپس شعار اصلی بر محور توسعه سیاسی تنظیم شد و پس از آن شعار «عدالت» مبنای عمل قرار گرفت و البته تحقق عدالت بسیار مطلوب و چیزی است که یکی از ابعاد «توسعه اجتماعی» است. وضعیت امروز ما و گسترش دایره نیازمندی های جامعه، به حدی شده است که هیچ کس نمی تواند ادعا کند یکی از انواع توسعه - توسعه اقتصادی، توسعه سیاسی، یا توسعه اجتماعی به تنهایی - قادرند مسائل ما را حل کنند. ما هم زمان در هر سه عرصه مشکل داریم و جامعه نیز مطالبه گر هر سه عرصه است. باید نیازهای جامعه و

مقتضیات زمانه‌ای را که در آن قرار داریم، درک کنیم و بدانیم که جامعه ما نیازمند «توسعه همه‌جانبه» است. یکی از معانی اعتدال هم تأکید کردن متوازن بر همین سه عرصه توسعه است. اعتدال یعنی توازن برقرار کردن بین این سه عرصه. یعنی قرار نیست به قیمت توسعه اقتصادی، دو نوع دیگر توسعه را رها کنیم، یا بالعکس. بنابراین گفتمان دولت را می‌توان «اعتدال به مثابه توسعه همه‌جانبه» تلقی کرد.

\*عدالت اجتماعی و تا حد زیادی ثبات، امنیت و کرامت انسانی در سایه رشد اقتصادی و در سایه قدرت گرفتن تولید امکان‌پذیر است. ساختار بیمارگونه سرنوشت اقتصادی کشور به متغیرهای بیرون از اراده ملی یعنی متغیرهای مربوط به بازار جهانی نفت باید قطع گردد. امتیازات رانتی، سرمایه‌گذاری مولد را تنبیه و رانت‌جویان را تشویق می‌کند و از این لحاظ یکی از موانع مهم سرمایه‌گذاری مولد و ایجاد اشتغال در کشور است. لذا باید اقتصاد رانتی را پشت سر بگذاریم، برای یکی دو نسل به شدت کوشش کنیم، از نوآوری و سیاست‌گذاری عقلانی حمایت کنیم و سخت‌تن به کار بدهیم. فقط در این صورت است که آینده‌ای بهتر پیش رو خواهیم داشت. اقشار مختلف اجتماعی باید اطمینان یابند که دولت نیز خود با همین جهت‌گیری عمل می‌کند.

\*در شرایط فعلی که تعداد متغیرهای مؤثر بر اقتصاد ایران به شدت زیاد و غیرقابل کنترل هستند، تن دادن به سیاست‌های بازار آزاد کنترل نشده (گرایش‌های دولتی به سوی اقتصاد بازار) می‌تواند پیامدهای منفی پیش‌بینی نشده‌ای را بوجود آورد. بنابراین در عرصه سیاست اقتصادی و حوزه عمل، باید قادر باشیم از تعداد متغیرهایی که بر فعالیت کنشگران اقتصادی اثر می‌گذارند و پیچیدگی اثر متغیرها، کم کنیم تا حداکثر پیش‌بینی‌پذیری و اطمینان از موفقیت کنش اقتصادی را برای کنشگران فراهم آوریم. بویژه باید بگونه‌ای تدبیر کنیم که اعتماد و امید، فضای کسب و کار را در برگیرد

\*باید در شرایطی که دولت عمیقاً به ارزیابی تأثیر اجتماعی و سیاسی سیاست‌های مبتنی بر بازار آزاد حساس بوده و بدون بحث گسترده و دقیق کارشناسی درباره تأثیرات این اقدامات بر توده آسیب‌پذیر مردم، از اقدامات شتابزده خودداری می‌نماید، ضمن حساسیت وافی و کافی نسبت به پیامدهای فرهنگی اجتماعی تصمیم‌گیری‌های اقتصادی و سیاست‌های توسعه‌ای، از محروم‌تر شدن گروه‌های ضعیف و کم‌درآمد جامعه (نظیر؛ کارگران و بازنشستگان) ممانعت به عمل آورد. به عبارت دیگر باید نسبت به طراحی و اعمال سیاست اجتماعی متناسب با شرایط و خصوصیات اقشار مختلف اجتماعی به عنوان ابزاری مهم برای کنترل تأثیرات اقتصادی و اجتماعی ناخواسته و گاه ناخوشایند اقدام نماییم.

\*دشمن از طریق بکارگیری همه ظرفیتهای دراختیار و استفاده حداکثری از صنعت رسانه (جنگ رسانه‌ای، رسانه‌داری و رسانه‌سازی‌های فعالانه و مستمر) و فضای مجازی دنبال تغییر ذائقه‌ها و تأثیرگذاری‌های فرهنگی اجتماعی است به گونه‌ای که شاهدیم منازعه خاموش، تدریجی، خزنده، زیربنائی، پردامنه، همه‌جانبه، عمیق و اثرگذاری را در سطوح مختلف برای استحاله ارزشها، باورها و نگرش‌ها و تلاش کاملاً حساب شده‌ای را در جهت ایجاد تشمت، پراکندگی و افتراق و در یک کلام گسست‌های اجتماعی (واگرایی‌ها در مقابل پیوندها و اتحاد) برای تضعیف سرمایه‌های اجتماعی و وحدت ملی و ایجاد شکاف میان مردم و نظام، هویت‌زدایی، سیاه‌نمایی، کوچک

نشان دادن دستاوردها و بزرگ سازی ضعفها، مسوولیت زدایی، تضعیف فرهنگ ایثار و از خودگذشتگی، ایجاد ناامیدی و یاس و القاء ناتوانی و ناکارآمدی و تاثیرگذاری بر اراده ملت بزرگ ایران آغاز کرده است. از این رو باید با هوشمندی و با اتخاذ و اجرای صحیح تدابیر، از تاثیرگذاری های روانی، فرهنگی و اجتماعی بویژه بر گروههای کم درآمد جامعه و در این شرایط دشوار اقتصادی، تضعیف زیرساخت های فرهنگی و روانی کار و تولید و بی ثبات سازی و برهم زدن آرامش روانی جامعه جلوگیری کرد .

\*برای خروج از شرایط فعلی، در بسیاری از زمینه ها، به تعبیر مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) احتیاج به کار جهادی و راهبردهای تهاجمی داریم (بجای راهبردهای محافظه کارانه و تدافعی). باید توجه داشت که بسیاری از پدیده ها که امروز از آنها تعبیر به "بحران" می شود، مشکلات و یا مسائل دیروز جامعه بوده اند که چون به وقت خویش و توسط دستگاههای تخصصی ذیربط تدبیر شایسته نشده اند، امروز تبدیل به چالش اساسی و بحران شده اند. لذا جامعه در بسیاری از حیطه ها شرایط نرمال و طبیعی ندارد و لازم است که راهبردهای تهاجمی داشته باشیم.

\*در مسیر تقویت سرمایه اجتماعی سازمانی، باید ضمن پرهیز از دچار شدن به روزمرگی، برنامه های تکراری و بدون ثمره و نتیجه را حذف، در عین حال دنبال یادگیری مستمر و شکل دادن درست به نگرشها و بینش ها نسبت به کار و سازمان باشیم (یعنی فرصت جویی هوشمندانه). بعلاوه باید با تلاش دسته جمعی، اطلاعات حاوی علم و دانش و تجربه را در بین یکدیگر به جریان بیندازیم و به تدریج فرهنگی را پایه گذاری کنیم که در آن هر فرد در تلاش برای رشد دادن دیگری، انگیزه پیدا کند. ما باور داریم که شرایطی که فرد را برانگیخته سازد (یعنی محیط خلاق و انگیزاننده) وقتی که با انگیزه های درونی و قدرتمند افراد (نظیر میل به پیشرفت) تلفیق گردد و بکار افتادن انرژی عقلانی و آزادسازی انرژی عاطفی (یعنی هم داستانی مغز و دل)، معجزه آفرینی خواهد کرد.

می توان اقدامات بسیاری را نام برد (نظیر اقدامات معطوف به تولیدمحور شدن جامعه، اقدامات معطوف به ارتقاء شاخص های سلامت و ارتقای کیفیت زندگی اقشار مختلف، اقدامات معطوف به رشد شاخص های توسعه انسانی، حمایت اجتماعی دولت از اقشار کم درآمد و ضعیف جامعه، پیشرفت های حوزه آموزش و فناوری، دستاوردهای حوزه نظامی) که گواهی دهند جامعه امیدوارتر از گذشته، به آینده و تدبیرهای دولت چشم دوخته است اما در عین حال باید اذعان کرد که این اقدامات ناکافی است و لذا باید با ارتقای توان تنظیم گری، نتایج کلیدی عملکرد سازمانی را مثبت و دستاوردها را ملموس تر نمود.

امیدوارم در سایه اتحاد و همدلی و تصمیمات اثربخش و شکل دادن به اجماع ملی برای پرداختن به مسائل اساسی اولویت دار کشور، شاهد گذار آرام کشور از شرایط خطیر فعلی، مدیریت درست مشکلات نظام در مواجهه با چالشها و حرکت به سوی شکل گیری جامعه ای با آرامش خاطر بیشتر باشیم.

رسیدن به چنین اهدافی نیازمند عقل محوری، اعتنای عمیق به کار علمی و بسیج کردن نخبگان در راستای صورت بندی سیاست های اجتماعی کارآمد است.